Quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 17 | Issue 2 | Serial 34 | Winter 2025 | Pages 65-98
Research Paper | Received: 2026/06/29 | Accepted: 2026/09/07
10.30497/ies.2026.250652.2396

Identifying and Prioritizing Corporate Governance Assessment Components in Iranian State-Owned Enterprises in Accordance with Paragraphs 3 and 19 of the General Policies of the Resistance Economy

Mohammad Nemati: Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
nematy@isu.ac.ir | 0000-0003-2835-2529

Masoud Rasouli Amirabadi: Ph.D. Student, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Mas.rasouli@isu.ac.ir | 0000-0002-2027-3538

Abstract

The significance and impact of state-owned enterprises' (SOEs) productivity on the Iranian economy are undeniable. Over the past two decades, the efficiency and productivity of procedures and structures within organizations have been extensively examined through the lens of corporate governance in global scientific literature. This paradigm entered Iran's economic sphere in the early 2000s, aligning with upstream policies, laws, and regulatory frameworks that emphasize corporate governance principles—most notably Paragraphs 3 and 19 of the General Policies of the Resistance Economy, which advocate for economic transparency and productivity growth via enhanced competitiveness. This study aims to bridge the existing research gap by identifying corporate governance assessment components tailored to the specific ecosystem of Iranian state-owned enterprises. Employing a documentary method, this research investigates organizational, academic, and scientific reports and documents to extract relevant assessment components. Subsequently, utilizing the TOPSIS method based on the insights of experts and practitioners, these components are prioritized for practical

implementation. Ultimately, the assessment components are categorized into eight core dimensions—namely board structure, control environment, appointments, executive compensation, ownership structure and policy, legal and regulatory environment, transparency and reporting, shareholder rights and stakeholder management, and sustainability/ESG compliance—and are structured within a three-tier model comprising internal, external, and public oversight/accountability layers for practical application by policymakers and executives.

Keywords: Corporate governance, State-owned enterprises, Iranian economy, Evaluation, Resistance Economy General Policies

JEL Classification: G34,H11,L33,M21

مطالعات اقتصاد اسلامی
سال هفدهم | شماره دوم | پیاپی ۳۴ | زمستان ۱۴۰۳ | صفحات ۶۵-۹۸
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
مقاله مدت ۱۶ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی ایران با توجه به بندهای ۳ و ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

محمد نعمتی: دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
Nematy@isu.ac.ir | 0000-0003-2835-2529
مسعود رسولی امیرآبادی: دانشجوی دکتری، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Mas.rasouli@isu.ac.ir | 0000-0002-2027-3538

چکیده

اهمیت و تأثیرگذاری میزان بهره‌وری شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران موضوعی انکارناپذیر است. در دو دهه اخیر، میزان کارایی و بهره‌وری رویه‌ها و ساختار در شرکت‌ها و سازمان‌ها با ادبیات حاکمیت شرکتی در ادبیات علمی جهان مورد مطالعه قرار گرفته است. این موضوع در کشور ما نیز از ابتدای دهه ۱۳۸۰ وارد شده است و الزاماتی در سیاست‌ها و قوانین و مقررات بالادستی کشور به اصول و رهنمودهای حاکمیت شرکتی اشاره دارد که می‌توان از بندهای ۳ و ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نام برد که به شفاف‌سازی اقتصاد و رشد بهره‌وری از طریق تقویت رقابت‌پذیری اشاره دارد. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی متناسب با زیست‌بوم شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران و رفع این خلأ پژوهشی است. در این پژوهش از طریق روش اسنادی، گزارش‌ها و اسناد اعم از سازمانی، دانشگاهی و علمی را بررسی و مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی را احصا و در ادامه، بر اساس نظر خبرگان و مجریان با استفاده از روش تاپسیس، این مؤلفه‌ها را در راستای اجرایی‌سازی اولویت‌بندی می‌کنیم.

در پایان، مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در هشت دسته اصلی (ساختار هیئت‌مدیره، محیط کنترل، انتصابات، جبران خدمات مدیران، ساختار و سیاست مالکیت، محیط قانونی و نظارتی، شفافیت و گزارشگری، حقوق سهامداران و مدیریت ذی‌نفعان و پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) و در یک مدل سه‌لایه شامل لایه درون‌شرکتی، بیرون‌شرکتی و لایه نظارت عمومی و پاسخ‌گویی برای استفاده مجریان امر ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، شرکت‌های دولتی، اقتصاد ایران، ارزیابی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

طبقه‌بندی JEL: G34,H11,L33,M21

مقدمه

شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران با توجه به تخصیص میانگین ٦۰ درصد از بودجه سالانه کشور در ده سال اخیر از اهمیت بالایی برخوردارند. ساختار حکمرانی معیوب در کشور بیان‌کننده این است که سه حیطه سیاست‌گذاری، تصدیگری و تنظیم‌گری به‌صورت یکپارچه در بین وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی تابع تفکیک نشده و از گذشته مورد انتقاد کارشناسان و مدیران دولتی بوده است. ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات حال حاضر شرکت‌های دولتی ازجمله بهره‌وری پایین و عدم کارایی، تعارض منافع نهادی و ساختاری و نبود نظارت بر اجرای قوانین و مصوبات، در ترتیبات نهادی موجود و ساختار کنونی است و باید سیاست مالکانه بر شرکت‌های دولتی با توجه به تفاوت‌های ماهوی آن‌ها اعمال شود.

سیاست بانک جهانی[1] برای توسعه اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه از کوچک‌سازی دولت به توانمندسازی آن و حکمرانی خوب تغییر کرده است (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

حاکمیت شرکتی یکی از مهم‌ترین اصطلاحات و مفاهیمی است که در این راستا مورد توجه قرار گرفته است. سابقه شکل‌گیری موضوع حاکمیت شرکتی از اوایل دهه ۱۹۹۰ در پاسخ به مشکلات ناشی از فقدان اثربخشی هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ دنیا و با تهیه گزارش کادبری[2] در انگلیس شکل گرفت و بیشتر بر موضوع راهبری شرکت‌ها و حقوق سهام‌داران متمرکز بود. بعدها با گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، نهادهای مختلفی مانند بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[3] و... در این زمینه فعال شدند و در سال‌های اخیر پیشرفت‌های عمده‌ای در موضوع حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت گرفته است. اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای نخستین‌بار در سال ۱۹۹۹ منتشر شد. سپس در سال ۲۰۰٤ مورد بازنگری قرار گرفت

---

1. World Bank
2. Cadbury
3. OECD (Organisation for Economic Co-operation and Development)

و سرانجام در سال ۲۰۱۵، اصول حاکمیت شرکتی برای بخش عمومی و شرکت‌های دولتی منتشر شد.

موضوع حاکمیت شرکتی و کاربست آن در اقتصاد به‌خصوص در شرکت‌های بزرگ دولتی در برنامه‌ها و اسناد کشور نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. برای مثال، در بند ب ماده ۵ لایحه برنامه هفتم توسعه، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شده است که «*به‌منظور تقویت جایگاه سهام‌داران خرد و سهام‌داران غیرحاکمیتی در نظام حکمرانی شرکتی، سازوکارهای مناسب برای ارائه پیشنهاد سهام‌داران خرد برای طرح در هیئت‌مدیره و مجامع شرکت‌ها و افزایش شفافیت معاملات با اشخاص وابسته بر اساس ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳٤۷/۱۲/۲٤ از طریق اقداماتی مانند افشای جزئیات موضوع معامله، قیمت معامله، فرایند تعیین قیمت، دلایل عدم انجام معامله با اشخاص غیروابسته و گزارش کارشناسی در مورد قیمت‌گذاری دارایی مذکور را فراهم کند*» یا در مبحث بودجه سند تحول دولت سیزدهم[۱]، اعمال ساختار حاکمیت شرکتی در نظام مدیریت شرکت‌های دولتی در راستای ارتقای شفافیت در مدیریت و عملکرد شرکت‌های دولتی و نیز در مبحث انرژی، اعمال حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی نفت، گاز و برق با اصلاح اساسنامه از طریق پیشنهاد قوانین لازم، ازجمله برنامه‌ها و راهبردهای حل چالش‌های اصلی کشور توسط دولت سیزدهم بیان شده است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به موضوعاتی ازجمله تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، تحول اساسی در ساختارها و شفاف‌سازی اقتصاد در بندهای زیر اشاره شده است که حاکمیت شرکتی نیز در راستای اجرا شدن این شاخص‌ها به شرکت کمک می‌کند.

بند ۳: محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

بند ۱۹: شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... .

---

۱. سند تحول دولت مردمی (https://media.president.ir/uploads/ads/164681477506836200.pdf).

درنتیجه، احصای مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی ایران، پیش‌نیاز استقرار نظام حکمرانی کارآمد، شفاف و پاسخ‌گو است. این شاخص‌ها امکان سنجش وضعیت موجود، شناسایی نقاط ضعف، مقایسه عملکرد شرکت‌ها و هدایت اصلاحات مدیریتی را فراهم می‌کنند. همچنین، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری، کاهش فساد، تقویت پاسخ‌گویی، مدیریت ریسک و صیانت از منابع عمومی دارند و می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارتقای کیفیت حکمرانی اقتصادی در بخش دولتی کشور استفاده شوند.

مسئله اصلی در این پژوهش از سویی به دلیل اهمیت بالای شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران و از سوی دیگر، اهمیت حاکمیت شرکتی و ارتباط مستقیم آن با بهره‌وری، شفافیت، پاسخ‌گویی و صیانت از منابع عمومی، احصای مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های دولتی ایران است. همچنین، خلأ پژوهش حاضر صرفاً فقدان یک فهرست از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی تلقی نمی‌شود، بلکه نبود چهارچوبی منسجم برای احصا، تجمیع و اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی ایران با توجه هم‌زمان به ادبیات بین‌المللی، مطالعات دانشگاهی و الزامات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان خلأ اصلی پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌طور که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در نسخه ۲۰۲٤ خود به‌صراحت بر این نکته تأکید می‌کند که چهارچوب مدل ارزیابی حاکمیت شرکتی باید با تفاوت‌های حقوقی و اداری کشورها تطبیق داده شود و «یک نسخه واحد برای همه» وجود ندارد، احصای مؤلفه‌های ارزیابی شرکت‌های دولتی ایران به‌صورت بومی اهمیت دارد که تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

در این پژوهش سعی داریم با بررسی ماتریس ارزیابی حاکمیت شرکتی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکت مالی بین‌المللی[1] و همچنین، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای اسناد و گزارش‌های این حوزه، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی را با توجه به زیست‌بوم اقتصادی-سیاسی کشور در راستای

---

1. International Finance Corporation (IFC)

ارزیابی و نظارت بر بهره‌وری و کارایی شرکت‌های دولتی، به متولیان امر ازجمله سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه دهیم. درنتیجه، هدف اصلی از پژوهش، استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی ارزیابی حاکمیت شرکتی است که البته در کنار این هدف کلی، اهداف دیگری ازجمله بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در حاکمیت مدنظر قرار گرفته است.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. تاریخچه شکل‌گیری شرکت و حاکمیت شرکتی

بررسی چگونگی شکل‌گیری شرکت‌های مدرن و تفاوت‌های آن‌ها با بنگاه‌های اقتصادی قبل از آن در راستای آگاهی از تاریخچه حاکمیت شرکتی لازم است. شرکت مدرن، یک واحد خصوصی قانونی است که حقوق و تکالیفی مستقل از حقوق و تکالیف اعضای خود دارد و ظهور آن ازجمله پدیده‌های برجسته قرن ۲۰ است. نخستین شرکت‌های مدرن برجسته با اعطای امتیازات توسط پادشاهان و قانون‌گذاران به اشراف‌زادگان و تاجران در قرون وسطا تأسیس شدند که «کمپانی هلندی هند شرقی» و «کمپانی بریتانیایی هند شرقی» از برجسته‌ترین آن‌ها بودند. هدف از تأسیس این شرکت‌ها ایجاد مستعمره‌ها و سپس گسترش تجارت بود، اما با توسعه انقلاب صنعتی در قرن ۱۹، مردم به‌موجب قوانین و بدون نیاز به کسب مجوز از سوی پادشاهان یا تأیید پارلمان‌ها، می‌توانستند شرکت‌های خصوصی تأسیس کنند. به‌تدریج در قرن ۱۹، تسلط حکومت‌ها و دولت‌ها بر شرکت‌های قرون وسطایی کمتر شد و در سال ۱۸٤٤، پارلمان بریتانیا قانون شرکت‌های سهامی[1] را تصویب کرد که به‌واسطه آن، اجازه تأسیس شرکت‌های خصوصی به افراد داده می‌شد. همچنین، تصویب قانون شرکت با مسئولیت محدود[2] در سال ۱۸۵۵ موجب تقویت و گسترش انواع شرکت‌های مدرن شد. بااین‌حال، ظهور شرکت‌های مدرن را می‌توان هم‌زمان با انتشار کتاب ادولف برل و گاردینر مینز[3] با عنوان *شرکت مدرن و*

1. Joint Stock Companies Act
2. Limited Liability Act
3. Adolf Berle & Gardiner Means

مالکیت خصوصی[1] در آمریکا دانست. آن‌ها معتقد بودند که مالکیت از کنترل (مدیریت) جداست و این ویژگی را فصل تمایز شرکت‌های مدرن از دیگر بنگاه‌های اقتصادی می‌دانستند (بور، ۱۳۹۷). جدایی مالکیت از مدیریت باعث شد مسئله نمایندگی برای اندیشمندان مختلف ازجمله برل و مینز (۱۹۳۲) و راس و پراس[2] (۱۹۷٦) مطرح شود. همچنین، «جنسن و مک لینگ» در سال ۱۹۷٦، اثر مجزای خود را با عنوان *مبانی تئوری نمایندگی* منتشر کردند (همتی و همکاران، ۱۳۹۸). به‌طور خلاصه، تفاوت اساسی شرکت از دیگر بنگاه‌ها در یک اصل است و آن اینکه، مالکان (سهام‌داران) اداره‌کننده شرکت نیستند (Anand, 2007). این جدایی، این امکان را به وجود آورده است که مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای منافع خود و عکس منافع سهام‌داران باشد. رشد ابعاد سازمانی شرکت‌ها، سهام‌داران را با این چالش مواجه کرده است که چگونه می‌توانند بر عملکرد مدیران خود نظارت داشته باشند؟ تضاد منافع در شرکت‌های سهامی، بحرانی را ایجاد کرده است که از آن به بحران نمایندگی تعبیر می‌شود (سیداحمدی سجادی، ۱۳۸۸).

۱-۲. حاکمیت شرکتی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

حاکمیت شرکتی دارای اصول و رهنمودهای پایه‌ای ازجمله پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، رعایت انصاف و حقوق ذی‌نفعان، شفافیت، افشا و... است که در راستای افزایش بهره‌وری و دستیابی حداکثری به اهداف عملکردی شرکت اعمال می‌شود. با بررسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی در حوزه اقتصادی کشور شمرده می‌شود، مؤلفه‌هایی ازجمله شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در بند ۱۹ آن و نیز تأکید بر محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار و تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد در بند ۳ مورد توجه قرار گرفته است.

---

1. Modern Corporation and Private Property
2. Ross & Praas

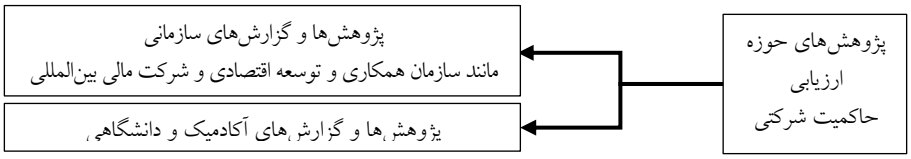
در این پژوهش، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان چهارچوبی زمینه‌ای برای طراحی و تفسیر مدل ارزیابی حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی ایران در نظر گرفته شده است. ارتباط این دو حوزه از طریق سه محور اصلی شامل ارتقای کارایی و بهره‌وری، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت شفافیت و تاب‌آوری و افزایش پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری تبیین می‌شود. از این منظر، مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی ظرفیت حمایت از تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی در شرکت‌های دولتی را دارند.

۱-۳. ارزیابی حاکمیت شرکتی

بیش از ۳۲۹ کد قانونی برای حاکمیت شرکتی در سراسر جهان فهرست شده (European Institute for Corporate Governance, 2011) که نسبت به اکتبر ۲۰۰۹ که این تعداد کد قانونی ٢٦٤ بوده، افزایش یافته است (Rasmussen, 2010). بسیاری از این قوانین بر سازمان‌های بالغ متمرکز هستند. برای مثال، قانون حاکمیت شرکتی بریتانیا (۲۰۱۰) یا شورای گزارشگری مالی[1] برای سازمان‌هایی با فهرست‌های ممتاز اعمال می‌شود. این کدها همگی، جنبه‌های متنوعی را پوشش می‌دهند و بسیاری از آن‌ها مشترک هستند ازجمله نقش هیئت‌مدیره، ساختار هیئت‌مدیره و کمیته‌های فرعی، رهبری هیئت‌مدیره، عضویت در هیئت‌مدیره و استقلال (برخی از) مدیران، رفتارهای مورد انتظار از اعضای هیئت‌مدیره، پاداش اعضای هیئت‌مدیره، الزامات اطلاعاتی اعضای هیئت‌مدیره، رابطه با ذی‌نفعان، مدیریت ریسک، انطباق با قوانین و گزارشگری. این ضوابط به‌خودی‌خود بلوغ حاکمیت شرکتی را تعریف نمی‌کنند، اما سطح مورد انتظار موفقیت دررابطه‌با حاکمیت شرکتی در یک سازمان را ارائه می‌دهند (Massie, 2014). پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع در دو دسته پژوهش‌ها و گزارش‌های سازمانی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکت مالی بین‌المللی که در ادامه بررسی می‌شوند و نیز پژوهش‌ها و گزارش‌های آکادمیک که در بخش پیشینه پژوهش آمده است، قابل دسته‌بندی هستند.

---

1. FRC



شکل ۱. پژوهش‌های حوزه ارزیابی حاکمیت شرکتی

منبع: یافته‌های پژوهش

۱-٤. چهارچوب‌های بین‌المللی ارزیابی حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی

در راستای احصای مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی، مراجع بزرگ جهانی وجود دارند که هریک بر اساس رویکرد خود، به ارائه شاخص‌هایی پرداخته‌اند ازجمله سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شرکت مالی بین‌المللی و بانک جهانی. هریک از این مراجع، رویکرد خاص خود را دارند. برای مثال، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در رهنمودهای نسخه ۲۰۲٤ خود، چهارچوبی را برای دولت‌ها، نهادهای مسئول مالکیت دولتی، هیئت‌مدیره و مدیریت شرکت‌های دولتی طراحی کرده است که حوزه‌هایی مانند نقش دولت به‌عنوان مالک، محیط رقابتی، رفتار برابر با سهام‌داران، شفافیت و پاسخ‌گویی، هیئت‌مدیره و پایداری را پوشش می‌دهد. شرکت مالی بین‌المللی نیز یک روش ارزیابی و بهبود حاکمیت شرکتی در سطح شرکت/بنگاه ارائه و از ابزارهایی مانند ماتریس پیشرفت برای ارزیابی بلوغ و عملکرد حاکمیت شرکتی استفاده می‌کند یا بانک جهانی تمرکز بیشتری بر بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی دارد.

جدول ۱. مقایسه رویکردهای مراجع بین‌المللی حاکمیت شرکتی

مرجع	رویکرد اصلی	نقطه قوت
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	حکمرانی و مالکیت دولتی، نقش دولت به‌عنوان مالک و محیط نهادی و قانونی در سطح نظام	جامعیت و تمرکز بر نقش دولت به‌عنوان مالک
شرکت مالی بین‌المللی	ارزیابی و بهبود حاکمیت در سطح شرکت/بنگاه	ابزار عملیاتی و ارزیابی بنگاه
بانک جهانی	اصلاح و حکمرانی شرکت‌های دولتی	تأکید بر اصلاحات شرکت‌های دولتی و عملکرد

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس تفاوت سطح و هدف این رویکردها مشخص شد که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی عمدتاً به ابعاد مالکیت دولتی، نقش دولت به‌عنوان مالک، محیط نهادی و قانونی، شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره توجه دارد درحالی‌که رویکرد شرکت مالی بین‌المللی بیشتر بر ارزیابی و بهبود حاکمیت شرکتی در سطح بنگاه و ارائه ابزارهای عملیاتی برای سنجش و ارتقای عملکرد حاکمیتی تمرکز دارد. به دلیل پوشش مکمل ابعاد نهادی و بنگاهی حاکمیت شرکتی، این دو مرجع به‌عنوان منابع محوری انتخاب شدند.

۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

از منظر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی بر سه اصل کلیدی استوار است. ۱. تفکیک نقش دولت به‌عنوان مالک از نقش تنظیم‌گر، ۲. شفافیت و پاسخ‌گویی عمومی و ۳. مدیریت حرفه‌ای و مستقل هیئت‌مدیره. این سازمان برای اجرایی‌سازی اصول حاکمیت شرکتی در یک شرکت دولتی، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی تعریف کرده است[۱]. این دستورالعمل‌ها که نخستین‌بار در سال ۲۰۰۵ تصویب و در سال ۲۰۱۵ اصلاح شدند، در سال ۲۰۲٤ با توجه به تحولات اخیر در حاکمیت شرکتی و انعکاس آخرین استانداردها و بهترین شیوه‌ها، دوباره اصلاح شدند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در جدیدترین گزارش خود در سال ۲۰۲٤، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی را در هفت دسته به شرح زیر ارائه کرد.

دسته اول: دلایل مالکیت دولتی و سیاست مالکیتی

دولت مالکیت شرکت‌های دولتی را به نفع عموم مردم اعمال می‌کند. دولت باید با دقت دلایل توجیه‌کننده مالکیت دولتی را ارزیابی و افشا و آن‌ها را به‌طور مکرر بررسی کند.

---

۱. در رهنمودهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌ویژه در اصول حاکمیت شرکتی و رهنمودهای حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی، بین مؤلفه (Component/Principle Area) و شاخص (Indicator/Measure) تفاوت مفهومی مهمی وجود دارد. مؤلفه، مفهومی در چهارچوب حاکمیت شرکتی است که بیان می‌کند چه چیزی باید وجود داشته باشد یا چه اصلی باید رعایت شود. ماهیت کیّفی و مفهومی دارد و در سطح کلان و سیاستی است، اما شاخص، معیاری قابل مشاهده، سنجش و ارزیابی است که نشان می‌دهد یک مؤلفه تا چه حد در عمل اجرا شده است یا می‌شود و ماهیت عملیاتی و اجرایی دارد، قابل اندازه‌گیری (کمّی یا کیفّی ارزیابی‌پذیر) است و ابزار سنجش تحقق مؤلفه به شمار می‌رود.

هدف نهایی مالکیت دولتی شرکت‌ها باید به حداکثر رساندن ارزش بلندمدت برای جامعه، به شیوه‌ای کارآمد و پایدار باشد. دولت باید یک سیاست مالکیتی تدوین کند که دلایل و اهداف کلی مالکیت دولتی و نقش دولت و دیگر سهام‌داران در اداره شرکت‌های دولتی، چگونگی اجرای سیاست مالکیتی توسط دولت و نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به ادارات دولتی درگیر در اجرای آن را تعریف کند. سیاست مالکیتی باید تابع رویه‌های مناسب پاسخ‌گویی به نهادهای مربوط باشد و برای عموم مردم افشا شود.

دسته دوم: نقش دولت به‌عنوان مالک فعال و حرفه‌ای

دولت باید به‌عنوان مالکی آگاه و فعال عمل و تضمین کند که حاکمیت شرکت‌های دولتی به شیوه‌ای شفاف و پاسخ‌گو، با درجه بالایی از حرفه‌ای‌گری و اثربخشی انجام می‌شود. همچنین، دولت باید به شرکت‌های دولتی استقلال عملیاتی کامل برای دستیابی به آن‌ها بدهد و از مداخله در مدیریت شرکت‌های دولتی خودداری کند و به هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی اجازه دهد که مسئولیت‌های خود را انجام دهند و به استقلال آن‌ها احترام بگذارد. دولت به‌عنوان مالکی آگاه و فعال باید حقوق مالکیت خود را مطابق با ساختار قانونی هر بنگاه اقتصادی و بسته به درجه مالکیت یا کنترل مربوط اعمال کند.

دسته سوم: رقابت‌پذیری و شرایط برابر در بازار

مطابق با منطق مالکیت دولتی، چهارچوب قانونی، نظارتی و سیاستی برای شرکت‌های دولتی باید شرایط برابر و رقابت منصفانه در بازار را هنگام مشارکت شرکت‌های دولتی در فعالیت‌های اقتصادی تضمین کند. باید تفکیک روشنی بین عملکرد مالکیت دولت و سایر عملکردهای دولتی که ممکن است بر شرایط بازار برای شرکت‌های دولتی تأثیر بگذارد؛ به‌ویژه دررابطه‌با تنظیم بازار و سیاست‌گذاری، وجود داشته باشد. در مواردی که شرکت‌های دولتی تعهدات خدمات عمومی را انجام می‌دهند، باید به‌طور شفاف و مشخص شناسایی شوند و امکان انتساب دقیق هزینه‌ها و درآمد را فراهم کنند؛ به‌ویژه استانداردهای بالای شفافیت و افشا در مورد هزینه‌ها و درآمد آن‌ها باید حفظ شود. دولت نباید شرکت‌های دولتی را هنگام فعالیت‌های اقتصادی از اعمال و اجرای قوانین، مقررات و سازوکارهای مبتنی بر بازار معاف کند و باید بی‌طرفی مالیاتی، بدهی و نظارتی را برای

جلوگیری از تبعیض ناروا بین شرکت‌های دولتی و رقبای آن‌ها تضمین کند. فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های دولتی نباید از هیچ‌گونه حمایت مالی مستقیم یا غیرمستقیم که مزیتی نسبت به رقبای خصوصی ایجاد می‌کند مانند وام‌های ترجیحی یا تأمین مالی سهام، ضمانت‌ها، رفتار مالیاتی آسان یا اعتبارات تجاری ترجیحی، بهره‌مند شوند.

دسته چهارم: روابط با ذی‌نفعان و رفتار برابر با سهام‌داران (در صورت حضور سهام‌داران غیردولتی)

در مواردی که شرکت‌های دولتی در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند یا سرمایه‌گذاران غیردولتی در میان مالکان آن‌ها حضور دارند، دولت و شرکت‌ها باید حقوق همه سهام‌داران ازجمله سهام‌داران اقلیت و خارجی را به رسمیت بشناسند و رفتار عادلانه و دسترسی برابر به اطلاعات شرکت را برای سهام‌داران تضمین کنند. معاملات بین دولت و شرکت‌های دولتی باید با شرایط سازگار با بازار انجام شود. وقتی شرکت‌های دولتی در پروژه‌های مشارکتی مانند سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت‌های دولتی-خصوصی شرکت می‌کنند، طرفین قرارداد باید اطمینان حاصل کنند که حقوق و تعهدات قراردادی رعایت شده است و اختلافات به‌موقع و بی‌طرفانه رسیدگی می‌شود.

دسته پنجم: شفافیت، افشا و پاسخ‌گویی

شرکت‌های دولتی باید استانداردهای بالای شفافیت، پاسخ‌گویی و صداقت را رعایت کنند و مشمول همان استانداردهای حسابداری، افشا، انطباق و حسابرسی با کیفیت بالا مانند شرکت‌های بورسی باشند. شرکت‌های دولتی باید تمام موارد مهم مربوط به شرکت را مطابق با استانداردهای حسابداری و افشا با کیفیت بالا و شناخته‌شده بین‌المللی، گزارش و افشا کنند که ممکن است شامل حوزه‌های مورد توجه دولت به‌عنوان مالک و عموم مردم باشد. کانال‌های انتشار اطلاعات باید دسترسی عمومی رایگان و به‌موقع را فراهم کنند.

دسته ششم: ترکیب و وظایف هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی

دولت باید اطمینان یابد که هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی از اختیار، شایستگی و بی‌طرفی لازم برای وظایف خود در زمینه هدایت استراتژیک، نظارت بر مدیریت ریسک و نظارت

بر مدیریت برخوردارند. آن‌ها باید با صداقت عمل کنند و آن را ارتقا دهند و در قبال اقدامات خود پاسخ‌گو باشند. همچنین، دولت رویه خوبی ایجاد کند که رئیس هیئت‌مدیره مستقل باشد و نقشی جدا از مدیرعامل داشته باشد. رئیس هیئت‌مدیره باید مسئولیت کارایی هیئت‌مدیره را بر عهده بگیرد و در صورت لزوم، با هماهنگی دیگر اعضای هیئت‌مدیره، به‌عنوان رابط با نهاد دولتی عمل کند.

دسته هفتم: پایداری و تاب‌آوری در شرکت‌های دولتی

چهارچوب حاکمیت شرکتی باید انگیزه‌هایی را برای نهادهای مالکیت دولتی و شرکت‌های دولتی فراهم کند تا تصمیماتی بگیرند و ریسک‌های خود را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که به پایداری و تاب‌آوری شرکت‌های دولتی کمک و ایجاد ارزش بلندمدت را تضمین کند. در مواردی که دولت اهداف پایداری دارد، باید به‌عنوان مالک، انتظارات مشخص و پیشرفت‌محوری را دررابطه‌با پایداری برای شرکت‌های دولتی ازجمله در مورد نقش هیئت‌مدیره، افشا و شفافیت و رفتار تجاری مسئولانه تعیین کند.

۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های شرکت مالی بین‌المللی

دسته اول: تعهد به شاخص‌های حاکمیتی، اجتماعی و محیط‌زیستی[1]

مؤلفه‌هایی ازجمله چهارچوب قانونی شرکت‌های دولتی و اهداف تجاری و سیاستی واضح و مشخص، هزینه تحقق اهداف سیاسی، شخصیت حقوقی مستقل و داشتن مسئول حاکمیت شرکتی از مهم‌ترین مسائل موجود در این دسته است.

دسته دوم: ساختار و عملکرد هیئت‌مدیره

اهمیت هیئت‌مدیره در اداره شرکت انکارناپذیر است. مؤلفه‌هایی ازجمله تعیین نقش اعضای هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره، کمیته‌های هیئت‌مدیره، رویه‌های هیئت‌مدیره و نقش نظارتی هیئت‌مدیره جزو موارد مهم در این دسته است.

---

1. ESG

دسته سوم: محیط کنترل

کنترل شرکت توسط ابزارهای درونی در دسته محیط کنترل دسته‌بندی می‌شود که شامل مؤلفه‌هایی ازجمله حسابرسی داخلی، حسابرسی خارجی، راهبری شرکت‌های تابعه، ساختار نظارتی ریسک و انطباق کنترل داخلی است.

دسته چهارم: شفافیت و افشاگری

انتشار مستمر و به‌موقع گزارش‌های مالی شرکت در راستای شفافیت و گزارشگری مالی و گزارش سالانه حاکمیت شرکتی (شامل عملکرد شفاف شرکت) در راستای افشای اطلاعات عملکرد شرکتی در این دسته مهم دسته‌بندی می‌شوند.

دسته پنجم: حقوق سهام‌داران

اعمال حقوق مالکیت توسط دولت و توجه به حقوق سهام‌داران اقلیت و حقوق حفاظتی (دسترسی برابر به اطلاعات) از مؤلفه‌های بررسی‌شده در این دسته است.

دسته ششم: مدیریت مشارکت با ذی‌نفعان

ذی‌نفعان و اهمیت رسیدگی به مؤلفه‌هایی ازجمله سیاست تعامل با ذی‌نفعان، رسیدگی به شکایات ذی‌نفعان و نقشه‌برداری ذی‌نفعان در دسته ششم از مؤلفه‌های شرکت مالی بین‌المللی قرار دارند.

٤. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع احصای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که میزان اجرای حاکمیت شرکتی در یک کشور یا سازمان/شرکت یا میزان بلوغ سازمانی یک کشور یا سازمان/شرکت را در عرصه حاکمیت شرکتی بررسی کرده است، نشان می‌دهد در عین وجود تفاوت‌هایی در بین آن‌ها، اشتراکاتی به‌صورت کلی نیز وجود دارد. در بین ۳۵ گزارش و مقاله مرتبط با موضوع مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی که بررسی شده است، شش مورد که مرتبط‌ترین موارد بودند، در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲. پژوهش‌های آکادمیک و دانشگاهی ارزیابی حاکمیت شرکتی

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	چکیده
نسور و الرجب	Building a corporate governance index (JCGI) for an emerging market: case of Jordan	۲۰۲۲	این مطالعه شاخص جامعی برای سنجش کیفیت حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه اردن طراحی کرده است. پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های حاکمیتی می‌توانند رابطه مستقیمی با عملکرد مالی و اعتماد سرمایه‌گذاران داشته باشند
رحمان و هاشم	Is Corporate Governance Maturity Measurable?	۲۰۲۰	این پژوهش با هدف طراحی مدل سنجش بلوغ حاکمیت شرکتی نشان داد که می‌توان سازمان‌ها را بر اساس سطح توسعه‌یافتگی سازوکارهای حاکمیتی در سطوح مختلف بلوغ طبقه‌بندی کرد. نویسندگان تأکید می‌کنند که حاکمیت شرکتی صرفاً مجموعه‌ای از مقررات نیست، بلکه یک قابلیت سازمانی است که به‌تدریج تکامل می‌یابد. در این مطالعه، شاخص‌های ارزیابی در قالب ابعاد ساختاری، رفتاری و کنترلی طبقه‌بندی شدند
هوانگ و همکاران	Strengthen Financial Holding Companies' Business Sustainability by Using a Hybrid Corporate Governance Evaluation Model	۲۰۱۹	این پژوهش با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، مدل ارزیابی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های مالی را ارائه کرد. هدف مطالعه، شناسایی و استخراج معیارهای کلیدی ارزیابی حاکمیت شرکتی بود
کوکمانووا و همکاران	Modelling of Corporate Governance Performance Indicators	۲۰۱۲	این مقاله بر مدل‌سازی شاخص‌های عملکرد برای حاکمیت شرکتی در جمهوری چک متمرکز است که به‌منظور اندازه‌گیری عملکرد یک شرکت به همراه شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی طراحی شده‌اند
سیمبر و همکاران	Corporate governance performance measurement: Key performance indicators	۲۰۱۲	این مقاله به معرفی شاخص‌های کلیدی عملکرد برای سنجش کیفیت حاکمیت شرکتی پرداخت و نشان داد که می‌توان عملکرد حاکمیت را از طریق شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی کرد

نویسندگان	عنوان پژوهش	سال انتشار	چکیده
پورطالبی	طراحی شاخص امتیازدهی حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران	۱٤۰٤	نویسنده در پژوهشی جامع، نمونه‌ای شامل ۲۳ شاخص دانشگاهی یا تجاری و شش رهنمود ملی و بین‌المللی در حوزه حاکمیت شرکتی را بررسی کرده است و درنهایت، با استفاده از روش تحقیق تحلیل مضمون، ٦۹ تم را که حاصل تجمیع و سامان‌دهی الگوهای شناسایی‌شده در داده‌ها بود، در شش طبقه جامع جای داده است

منبع: یافته‌های پژوهش

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ادبیات حاکمیت شرکتی، طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌ها و سازوکارها را در سطوح مختلف بنگاه و نظام حکمرانی مورد توجه قرار داده است. بخشی از مطالعات بر ساختار و اثربخشی هیئت‌مدیره، کنترل‌های داخلی، شفافیت و گزارشگری تمرکز داشته و بخشی دیگر به نقش مالکیت، حقوق ذی‌نفعان، نظارت و الزامات قانونی در شکل‌گیری حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند. همچنین، در مطالعات مرتبط با شرکت‌های دولتی، موضوعاتی مانند رابطه دولت با شرکت، پاسخ‌گویی، شفافیت و عملکرد شرکت‌های دولتی مورد توجه قرار گرفته است.

با وجود گستردگی ادبیات موجود، بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها، مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی را به‌صورت منفرد یا در قالب مجموعه‌ای از شاخص‌ها بررسی کرده و کمتر به یکپارچه‌سازی این مؤلفه‌ها در قالب چهارچوبی متناسب با ویژگی‌های نهادی و مالکیتی شرکت‌های دولتی ایران پرداخته‌اند. همچنین، ارتباط نظام‌مند مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی با الزامات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌ویژه الزامات مرتبط با بهره‌وری، رقابت‌پذیری، شفافیت، سالم‌سازی و پیشگیری از زمینه‌های فسادزا، نیازمند بررسی بیشتر است.

از این منظر، تمایز اصلی پژوهش حاضر در آن است که به‌جای تمرکز بر یک یا چند مؤلفه منفرد حاکمیت شرکتی، درصدد است مجموعه مؤلفه‌های مرتبط را از منابع و چهارچوب‌های موجود استخراج و پس از پالایش و تجمیع، در قالب چهارچوبی منسجم برای شرکت‌های دولتی ایران سازمان‌دهی کند. افزون‌برآن، تلاش می‌کند این مؤلفه‌ها را

با الزامات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیوند دهد و بر اساس اهمیت نسبی آن‌ها اولویت‌بندی کند. براین‌اساس، نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در سه سطح بیان کرد. نخست، تمرکز بر اقتضائات خاص شرکت‌های دولتی ایران، دوم، تلفیق ادبیات حاکمیت شرکتی با الزامات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سوم، ارائه چهارچوبی سه‌لایه برای سازمان‌دهی و ارزیابی مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و تعیین اولویت آن‌ها. بنابراین، پژوهش حاضر در پی جایگزین کردن چهارچوب‌های بین‌المللی نیست، بلکه با بهره‌گیری از آن‌ها و تلفیقشان با مطالعات داخلی و الزامات بومی، درصدد ارائه چهارچوبی متناسب‌تر با زمینه شرکت‌های دولتی ایران است.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شد. در مرحله نخست، با استفاده از روش پژوهش اسنادی، مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی از طریق بررسی و تحلیل اسناد، گزارش‌ها و مطالعات موجود استخراج و در دو دسته شامل گزارش‌های سازمانی بین‌المللی و مقالات و گزارش‌های دانشگاهی و پژوهشی تجمیع شد. در مرحله دوم، مؤلفه‌های شناسایی‌شده با هدف تعیین اولویت آن‌ها از نظر اهمیت، قابلیت اجرا و میزان تأثیرگذاری بر بهره‌وری شرکت‌های دولتی ایران، با استفاده از روش تاپسیس رتبه‌بندی شد.

روش تاپسیس را در سال ۱۹۸۱، هوانگ[1] و یون[2] ارائه کردند. در این روش m گزینه به‌وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و هر مسئله را می‌توان به‌عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای nبعدی در نظر گرفت. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌ال مثبت (بهترین حالت ممکن (A i+)) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایدئال منفی (بدترین حالت ممکن (Ai—)) داشته باشد (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۹۱). گفتنی است در پژوهش‌هایی که پرسش‌نامه آن‌ها با روش‌های تحقیق در عملیات انجام می‌گیرند، نیازی به محاسبه پایایی با توجه به ابزارهای معمول یعنی روش «بازآزمایی»، روش «موازی» (همتا) و روش «آلفای کرونباخ»

---

1. Hwang
2. Yoon

نیست؛ زیرا در این پرسش‌نامه‌ها، تنها به جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بر اساس نظرات خبرگان پرداخته می‌شود و چون تعداد زیاد تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها در این روش‌ها ملاک نیست، ازاین‌رو روش‌های معمول محاسبه پایایی که در روش‌های آماری استفاده می‌شوند، در اینجا کاربرد چندانی ندارد.

مراحل حل مسئله به روش تاپسیس در ادامه آمده است.

گام اول: ماتریس تصمیم‌گیری D را به کمک رابطه (۱) که نرم اقلیدسی نام دارد، به یک ماتریس بی‌مقیاس‌شده تبدیل می‌کنیم (بی‌مقیاس‌سازی)[1] که ماتریس به‌دست‌آمده ND نامیده می‌شود.

رابطه (۱)
$$nij = \frac{rij}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m}(rij)^2}}$$

گام دوم: ماتریس بی‌مقیاس موزون را بر اساس رابطه (۲) به دست می‌آوریم.

رابطه (۲)
$$V = N_D \times W_{n\times n}$$

گام سوم: راه‌حل ایده‌ال مثبت (Ai+) و راه‌حل ایدئال منفی (Ai−) را با استفاده از رابطه‌های(۳) و (٤) زیر مشخص می‌کنیم.

گزینه ایدئال مثبت=Ai+ ={$(\boldsymbol{max\ vij|j\epsilon J1}),(\boldsymbol{min\ vij}\,|\,\boldsymbol{j\epsilon J2})\,|\,\boldsymbol{i}=\boldsymbol{1},\boldsymbol{2},\dots,\boldsymbol{m}$}

رابطه (۳)
$$\boldsymbol{A+}=(\boldsymbol{V1}+,\boldsymbol{V2}+,\dots,\boldsymbol{Vn}+)$$

گزینه ایدئال منفی=Ai-={$\boldsymbol{min\ vij|j\epsilon J\ 1}),(\boldsymbol{max\ vij|j\epsilon J2})\,|\,\boldsymbol{i}=\boldsymbol{1},\boldsymbol{2},\dots,\boldsymbol{m}$}

رابطه (٤)
$$\boldsymbol{A-}=(\boldsymbol{V1}-,\boldsymbol{V2}-,\dots,\boldsymbol{Vn}-)$$

$$J1=\{1,2,\dots,n\,|\,j\ is\ benefit\}$$

$$J2=\{1,2,\dots,n\,|\,j\ is\ worst\ solution\}$$

گام چهارم: اندازه فاصله بر اساس نرم اقلیدسی به‌ازای راه‌حل ایدئال منفی و گزینه مثبت و همین اندازه به‌ازای راه‌حل ایدئال مثبت و گزینه منفی با استفاده از رابطه‌های (۵) و (٦) به دست می‌آید.

رابطه (۵)
$$V = N_D \times W_{n\times n}$$

---

1. Normalize

$$dj^{+} = \left\{\sum_{i=1}^{n}(vij - vj^{+})^{2}\right\}^{\frac{1}{2}}$$

$$dj^{-} = \{\sum_{j=1}^{n}(vij - vj^{-})^{2}\}^{\frac{1}{2}}$$ رابطه (٦)

گام پنجم: نزدیکی نسبی Ai (برای هر گزینه) به راه‌حل ایدئال با استفاده از رابطه (۷) به‌صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$Ci = \frac{di^{-}}{(di^{-}+di^{+})} \quad ،(i = 1،2،\dots،m)$$ رابطه (۷)

مقدار Ci صفر و یک است. بنابراین، هرچه گزینه Ai به راه‌حل ایدئال نزدیک‌تر باشد، مقدار Ci آن به یک نزدیک‌تر خواهد بود.

٦. یافته‌های پژوهش

پس از بررسی و تجمیع منابع دو بخش قبل که شامل پژوهش‌ها و گزارش‌های سازمانی و پژوهش‌ها و گزارش‌های آکادمیک و دانشگاهی بود، مشاهده می‌شود که بسیاری از مؤلفه‌ها که مورد اشاره در پژوهش‌های مختلف هستند، دارای اشتراک موضوعی یا به‌صورت کامل، مشترک در عنوان هستند. درنتیجه، در راستای اخذ خروجی از این دو دسته منابع می‌توان با ادغام و تقاطع‌گیری به جدول اولیه زیر اشاره کرد. در جدول زیر، دو دسته پژوهش‌ها و گزارش‌های فوق‌الذکر، با توجه به مؤلفه‌های اشاره‌شده در موضوع ارزیابی حاکمیت شرکتی تجمیع شده‌اند.

جدول ۳. مؤلفه‌های اشاره‌شده در هریک از اسناد منتخب

دسته	نام سازمان/نویسنده	مؤلفه‌های اساسی ارزیابی حاکمیت شرکتی
	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	دلایل مالکیت دولتی و سیاست مالکیتی نقش دولت به‌عنوان مالک فعال و حرفه‌ای رقابت‌پذیری و شرایط برابر در بازار روابط با ذی‌نفعان و رفتار برابر با سهام‌داران شفافیت، افشا و پاسخ‌گویی ترکیب و وظایف هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی پایداری و تاب‌آوری در شرکت‌های دولتی

دسته	نام سازمان/نویسنده	مؤلفه‌های اساسی ارزیابی حاکمیت شرکتی
پژوهش‌ها و گزارش‌های سازمانی	**شرکت مالی بین‌المللی**	تعهد به شاخص‌های حاکمیتی، اجتماعی و محیط‌زیستی ساختار و عملکرد هیئت‌مدیره محیط کنترل (سیستم کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، ساختار نظارتی ریسک و انطباق) شفافیت و افشاگری حقوق سهام‌داران مدیریت مشارکت با ذی‌نفعان
پژوهش‌ها و گزارش‌های آکادمیک و دانشگاهی	**نسور و الرجب (۲۰۲۲)**	حقوق سهام‌داران رفتار برابر با سهام‌داران نقش ذی‌نفعان افشا و شفافیت مسئولیت هیئت‌مدیره استقلال اعضای هیئت‌مدیره کمیته حسابرسی افشای ریسک ساختار مالکیت
	رحمان و هاشم (۲۰۲۰)	شفافیت اطلاعاتی استقلال هیئت‌مدیره پاسخ‌گویی مدیران مدیریت ریسک کنترل داخلی انطباق قانونی فرهنگ اخلاقی مشارکت ذی‌نفعان اثربخشی تصمیم‌گیری بلوغ فرایندهای نظارتی
	هوانگ و همکاران (۲۰۱۹)	ساختار هیئت‌مدیره کیفیت حسابرسی کنترل داخلی شفافیت مالی مدیریت ریسک

دسته	نام سازمان/نویسنده	مؤلفه‌های اساسی ارزیابی حاکمیت شرکتی
		حقوق سهام‌داران مسئولیت‌پذیری مدیران کارایی نظارتی پایداری مالی انطباق با مقررات
	کوکمانووا و همکاران (۲۰۱۲)	عملکرد هیئت‌مدیره بهره‌وری مدیریتی کنترل داخلی شفافیت اطلاعاتی شاخص‌های مالی رعایت مقررات مدیریت ریسک رضایت ذی‌نفعان
	سیمبر و همکاران (۲۰۱۲)	اثربخشی هیئت‌مدیره پاسخ‌گویی مدیریتی شفافیت مالی کنترل‌های داخلی کارایی حسابرسی مدیریت استراتژیک رضایت سرمایه‌گذاران انطباق قانونی
	پورطالبی (۱٤۰٤)	ساختار و اثربخشی هیئت‌مدیره ساختار مالکیت، حقوق و رفتار سهام‌داران و ذی‌نفعان شفافیت و افشا حسابرسی، کنترل داخلی و ریسک انتصابات و جبران خدمات پایداری و مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی

منبع: یافته های پژوهش

نظر به آنچه در ادبیات این حوزه بیان شد، برای تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حکمرانی شرکتی برای شرکت‌های دولتی در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان

چهارچوب نظری را بر اساس مکانیزم‌های کلیدی حکمرانی شرکتی تدوین کرد. این چهارچوب به شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر حکمرانی شرکتی در شرکت‌های دولتی کمک می‌کند و به بهبود عملکرد و پاسخ‌گویی این شرکت‌ها منجر می‌شود. پس از تجمیع مؤلفه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی در دو دسته منابع سازمانی و آکادمیک، درمجموع، به ٦٤ مؤلفه در هشت مرجع دست یافتیم که در مواردی دارای هم‌پوشانی و اشتراکاتی با هم هستند. در مرحله بعد، مؤلفه‌های اولیه از نظر تعریف، دامنه مفهومی و کارکرد مورد مقایسه قرار گرفتند. مؤلفه‌هایی که از نظر مفهومی هم‌پوشانی یا معنای نزدیک داشتند، در یک گروه مفهومی قرار گرفتند و موارد دارای تمایز ماهوی به‌صورت مستقل حفظ شدند. بنابراین، فرایند تجمیع مؤلفه‌ها بر مبنای شباهت مفهومی و کارکردی آن‌ها انجام گرفت و هدف از آن، کاهش تکرار و ایجاد مجموعه‌ای منسجم از مؤلفه‌های کلیدی حاکمیت شرکتی بود. نتیجه این فرایند، شناسایی هشت مؤلفه کلان شامل ساختار هیئت‌مدیره، محیط کنترل، انتصابات و جبران خدمات، ساختار و سیاست مالکیت، محیط قانونی و نظارتی، شفافیت و گزارشگری، حقوق سهام‌داران و ذی‌نفعان و پایداری و شاخص‌های حاکمیتی، اجتماعی و محیط‌زیستی بود. این مؤلفه‌ها در واقع بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جزئی‌تر شناسایی‌شده در ادبیات هستند که با هدف ایجاد قابلیت ارزیابی و مقایسه، در سطح مفهومی بالاتری سازمان‌دهی شده‌اند.

جدول ٤. ادغام مؤلفه‌های مستخرج از منابع

مؤلفه‌های اولیه مرتبط	مؤلفه نهایی
ترکیب و وظایف هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی/ ساختار و عملکرد هیئت‌مدیره/ مسئولیت هیئت‌مدیره/ استقلال اعضای هیئت‌مدیره/ کمیته حسابرسی/ استقلال هیئت‌مدیره/ پاسخ‌گویی مدیران/ ساختار هیئت‌مدیره/ مسئولیت‌پذیری مدیران/ عملکرد هیئت‌مدیره/ بهره‌وری مدیریتی/ اثربخشی هیئت‌مدیره/ پاسخ‌گویی مدیریتی/ ساختار و اثربخشی هیئت‌مدیره	ساختار هیئت‌مدیره
محیط کنترل (سیستم کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، ساختار نظارتی ریسک و انطباق)/ افشای ریسک/ مدیریت ریسک/ کنترل داخلی/ فرهنگ اخلاقی/ کیفیت حسابرسی/ شاخص‌های مالی/ کنترل‌های داخلی/ کارایی حسابرسی/ حسابرسی، کنترل داخلی و ریسک	محیط کنترل

مؤلفه‌های اولیه مرتبط	مؤلفه نهایی
انتصابات و جبران خدمات	انتصابات و جبران خدمات
دلایل مالکیت دولتی و سیاست مالکیتی/ نقش دولت به‌عنوان مالک فعال و حرفه‌ای/ ساختار مالکیت/ مدیریت استراتژیک/ ساختار مالکیت، حقوق و رفتار سهام‌داران و ذی نفعان	ساختار و سیاست مالکیت
رقابت‌پذیری و شرایط برابر در بازار/ انطباق قانونی/ بلوغ فرایندهای نظارتی/ کارایی نظارتی/ انطباق با مقررات/ رعایت مقررات/ انطباق قانونی	محیط قانونی و نظارتی
شفافیت، افشا و پاسخ‌گویی/ شفافیت و افشاگری/ افشا و شفافیت/ شفافیت اطلاعاتی/ شفافیت مالی/	شفافیت و گزارشگری
روابط با ذی‌نفعان و رفتار برابر با سهام‌داران/ حقوق سهام‌داران و مدیریت مشارکت با ذی‌نفعان/ حقوق سهام‌داران/ نقش ذی‌نفعان/ مشارکت ذی‌نفعان/ رضایت ذی‌نفعان/ رضایت سرمایه‌گذاران	حقوق سهام‌داران و ذی‌نفعان
پایداری و تاب‌آوری در شرکت‌های دولتی/ تعهد به شاخص‌های حاکمیتی، اجتماعی و محیط‌زیستی/ پایداری مالی/ پایداری و مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی	پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

منبع: یافته های پژوهش

پس از تقاطع‌گیری و ادغام نهایی طبق جدول بالا، به هشت مؤلفه کلان نهایی دست یافتیم. گفتنی است که این فرایند بر مبنای یک رویه تطبیقی-مفهومی و در چهارچوب روش‌اسنادی پژوهش انجام شده است و صرفاً حاصل قضاوت خبرگان نیست. در مرحله نخست، مؤلفه‌های شناسایی‌شده از منابع مختلف از حیث تعریف، مضمون، دامنه مفهومی و کارکرد در نظام حاکمیت شرکتی با یکدیگر مقایسه شدند. سپس مؤلفه‌های دارای هم‌پوشانی مفهومی و کارکردی در یک مقوله جامع‌تر قرار گرفتند و مؤلفه‌هایی که دارای تفاوت ماهوی، سطح تحلیل متفاوت یا کارکرد مستقل بودند، به‌صورت جداگانه حفظ شدند. بنابراین، معیار ادغام، صرف مشابهت عنوان یا تکرار واژگان نبوده، بلکه وجود اشتراک در مفهوم و سازوکار مورد ارزیابی بوده است. این شیوه با مطالعات پیشین حوزه ارزیابی حاکمیت شرکتی نیز همسوست؛ به‌گونه‌ای که در برخی مطالعات، مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعدد از منابع و چهارچوب‌های مختلف استخراج و سپس از طریق

روش‌های نظام‌مند ازجمله تحلیل مضمون، در طبقات جامع‌تر سازمان‌دهی شدند. در پژوهش حاضر نیز با اقتباس از همین منطق، اما متناسب با ماهیت اسنادی پژوهش، از مقایسه مفهومی و کارکردی برای ادغام مؤلفه‌ها استفاده شد. ازاین‌رو هشت مؤلفه نهایی حاصل انتخاب ذهنی یا صرفاً خبرگانی نبوده، بلکه حاصل فرایند استخراج، مقایسه، پالایش و تجمیع نظام‌مند مؤلفه‌های موجود در ادبیات است که هریک از آن‌ها در بخش زیر به‌اختصار بیان می‌شود.

۱. ساختار هیئت مدیره: هیئت‌مدیره در شرکت‌های دولتی نقش بسیار مهمی در حکمرانی شرکتی ایفا می‌کند. ساختار و ترکیب هیئت‌مدیره باید به‌گونه‌ای باشد که تنوع در تخصص‌ها و تجربیات را دربرگیرد و بتواند تصمیمات استراتژیک و مدیریتی مناسب را اتخاذ کند. در مدل بومی ارزیابی حکمرانی شرکتی، باید معیارهایی برای ارزیابی عملکرد هیئت‌مدیره، استقلال و تنوع اعضا و نقش آن‌ها در نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی تعریف شود. همچنین، باید به چگونگی انتصاب و انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و مدت زمان خدمت آن‌ها توجه شود.

۲. محیط کنترل: محیط کنترل شامل مواردی ازجمله سیستم کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک و انطباق است و به فضای کلی، فرهنگ سازمانی و مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها و ساختارهایی اشاره دارد که بر نحوه کنترل، مدیریت ریسک و رفتار کارکنان اثر می‌گذارد. به همین دلیل، نهادهای نظارتی و استانداردهای بین‌المللی، کیفیت محیط کنترل را یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی می‌دانند.

۳. انتصابات و جبران خدمات: یکی از مؤلفه‌های مهم ارزیابی حاکمیت شرکتی است که نشان می‌دهد سازمان تا چه اندازه در انتخاب مدیران ارشد، تعیین حقوق و مزایا و طراحی نظام پاداش، از اصول شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و همسویی با منافع ذی‌نفعان پیروی می‌کند و می‌تواند انگیزه مدیران اجرایی را برای همسو کردن اهداف خود با اهداف شرکت و سهام‌داران افزایش دهد.

٤. ساختار و سیاست مالکیت: ساختار مالکیت در شرکت‌های دولتی می‌تواند تأثیر زیادی بر حکمرانی شرکتی داشته باشد. در مدل بومی ارزیابی حکمرانی شرکتی، باید به تحلیل ساختار مالکیت شرکت‌های دولتی و تأثیر آن بر کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران

پرداخته و معیارهایی برای ارزیابی تمرکز یا پراکندگی مالکیت، نقش سهام‌داران عمده و تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر حکمرانی شرکتی تعریف شود. این معیارها می‌توانند به بهبود نظارت و کنترل در شرکت‌های دولتی کمک کنند.

۵. محیط قانونی و نظارتی: تطابق با قوانین و مقررات و نظارت دقیق بر اجرای قوانین و مقررات ازجمله مسائل حیاتی در حکمرانی شرکتی است. باید میزان تطابق شرکت‌های دولتی با قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی، نقش نهادهای نظارتی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار و دیوان محاسبات و تأثیر قوانین بر شفافیت و پاسخ‌گویی تعریف شود. این معیار می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف در تطابق با قوانین و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن کمک کند.

٦. شفافیت و گزارشگری: شفافیت و افشای اطلاعات یکی دیگر از مکانیزم‌های کلیدی در حکمرانی شرکتی است. این معیار برای ارزیابی استانداردهای گزارش‌دهی مالی، میزان شفافیت در افشای اطلاعات و ارتباط مؤثر با سهام‌داران و ذی‌نفعان تعریف می‌شود. این معیار می‌تواند به بهبود شفافیت و افزایش اعتماد بین شرکت‌های دولتی و ذی‌نفعان آن‌ها کمک کند و درنهایت، به بهبود عملکرد کلی شرکت‌ها منجر شود.

۷. حقوق سهام‌داران و مدیریت ذی‌نفعان: شرکت دولتی باید رعایت حقوق سهام‌داران را با رفتار عادلانه و دسترسی برابر به اطلاعات شرکت را برای تمام سهام‌داران نشان دهد. همچنین، معاملات بین دولت و شرکت‌های دولتی باید با شرایط سازگار با بازار انجام شود. وقتی شرکت‌های دولتی در پروژه‌های مشارکتی مانند سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت‌های دولتی–خصوصی شرکت می‌کنند، طرفین قرارداد باید اطمینان حاصل کنند که حقوق و تعهدات قراردادی رعایت شده است و اختلافات به‌موقع و بی‌طرفانه رسیدگی می‌شود.

۸. پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی: مؤلفه‌ها و شاخص‌های حاکمیت شرکتی باید انگیزه‌هایی را برای نهادهای مالکیت دولتی و شرکت‌های دولتی فراهم کند تا تصمیماتی بگیرند و ریسک‌های خود را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که به پایداری و تاب‌آوری شرکت‌های دولتی کمک و ایجاد ارزش بلندمدت را تضمین کند. در ارزیابی حاکمیت شرکتی، تنها عملکرد مالی شرکت‌ها مورد

توجه نیست، بلکه میزان مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال محیط‌زیست، جامعه و اصول حکمرانی نیز به‌عنوان شاخصی مهم از کیفیت مدیریت و پایداری بلندمدت سازمان ارزیابی می‌شود.

مؤلفه‌های اصلی بیان‌شده را می‌توان در راستای فهم دقیق‌تر، در سه لایه بخش‌بندی کرد. منطق لایه‌بندی مدل پیشنهادی بر اساس سطح تحلیل و محل اعمال سازوکارهای حاکمیت شرکتی تعیین شده است و صرفاً مبتنی بر قضاوت خبرگان نیست. با مقایسه مطالعات دانشگاهی و چهارچوب‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکت مالی بین‌المللی مشخص شد که مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در سطوح متفاوتی از روابط درون شرکت، روابط مالکیتی و نهادی و روابط نظارتی و عمومی قرار می‌گیرند. براین‌اساس، در پژوهش حاضر برای لایه‌بندی مؤلفه‌ها سه معیار مورد استفاده قرار گرفت. نخست، محل اصلی اعمال و اجرای سازوکار، دوم، نوع رابطه‌ای که مؤلفه با شرکت برقرار می‌کند و سوم، سطح پاسخ‌گویی ناشی از آن مؤلفه. بر اساس این معیارها، مؤلفه‌هایی که عمدتاً از طریق ساختارها و فرایندهای داخلی شرکت اعمال می‌شوند، در لایه درون‌شرکتی قرار گرفتند. مؤلفه‌هایی که به رابطه شرکت با مالک، دولت، هلدینگ بالاسری و محیط نهادی پیرامون شرکت مربوط هستند، در لایه برون‌شرکتی قرار گرفتند و مؤلفه‌هایی که ناظر بر رابطه شرکت با نهادهای ناظر، سهام‌داران، ذی‌نفعان و جامعه و پاسخ‌گویی عمومی شرکت هستند، در لایه نظارت عمومی و پاسخ‌گویی قرار داده شدند.

معیارهایی ازجمله ساختار هیئت‌مدیره، محیط کنترل (سیستم کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک و انطباق)، انتصابات و جبران خدمات در لایه‌ای با عنوان لایه درون‌شرکتی قرار می‌گیرند که بیشتر در حیطه داخلی شرکت تأثیرگذاری دارند. معیارهایی ازجمله ساختار و سیاست مالکیت و پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در لایه‌ای با عنوان لایه بیرون‌شرکتی قرار می‌گیرند که در واقع، در این لایه روابط شرکت با هلدینگ بالاسری یا دولت برای شرکت‌های دولتی معنادار است.

لایه سوم نیز به معیارهای حوزه نظارتی و پاسخ‌گویی عمومی مربوط می‌شود که شامل معیارهای محیط قانونی و نظارتی، شفافیت و گزارشگری و حقوق سهام‌داران و

مدیریت ذی‌نفعان است. این لایه به رابطه شرکت با نهادهای ناظر، سهام‌داران و دیگر ذی‌نفعان می‌پردازد و بررسی می‌کند که شرکت تا چه اندازه در برابر محیط بیرونی خود شفاف، پاسخ‌گو، قانون‌مدار و مسئولیت‌پذیر است.

این نکته نیز گفتنی است که برخی از مؤلفه‌های بیان‌شده، ماهیتی فراتر از یک لایه دارند. برای مثال، مؤلفه انتصابات و جبران خدمات می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای مشترک بین لایه درون‌شرکتی و بیرون‌شرکتی مدنظر گرفته شود؛ زیرا از طرفی انتصابات و تعیین جبران خدمات مدیران و هیئت‌مدیره با سهام‌داران و مجمع عمومی است که بیرون‌شرکتی شمرده می‌شوند و از طرفی نیز به مسائل داخلی شرکت مربوط می‌شود یا در مورد مؤلفه‌ای دیگر مانند حقوق سهام‌داران و مدیریت ذی‌نفعان، این ویژگی اشتراکی بین دو لایه بیرون‌شرکتی و حوزه نظارتی و پاسخ‌گویی عمومی وجود دارد که سعی شده است مؤلفه در لایه‌ای که ارتباط بیشتری دارد، قرار داده شود. در شکل زیر نمای کلی این مدل نمایش داده شده است.



شکل ۱. مؤلفه‌ها و لایه‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی

منبع: یافته‌های پژوهش

نوآوری نظری و کاربردی مدل سه‌لایه پیشنهادی این پژوهش به معنای جایگزینی چهارچوب‌های بین‌المللی حاکمیت شرکتی نیست، بلکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های مطرح‌شده در چهارچوب‌ها و مطالعات موجود، آن‌ها را متناسب با ویژگی‌های شرکت‌های دولتی ایران بازسازمان‌دهی می‌کند و در ساختاری منسجم قرار می‌دهد. از این منظر، تفاوت اصلی مدل پیشنهادی با چهارچوب‌های متداول در چگونگی سازمان‌دهی، سطح تحلیل و توجه هم‌زمان به الزامات حاکمیت شرکتی و اقتضائات محیط نهادی شرکت‌های دولتی ایران است. در این مدل، حاکمیت شرکتی صرفاً به سازوکارهای درون بنگاه محدود نشده، بلکه در سه سطح درون‌شرکتی، برون‌شرکتی و نظارت عمومی و پاسخ‌گویی مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از وجوه تمایز مدل پیشنهادی، توجه هم‌زمان به ماهیت دوگانه شرکت‌های دولتی است. به این معنا که این شرکت‌ها از سویی بنگاه اقتصادی هستند و از سوی دیگر، تحت مالکیت یا کنترل دولت قرار دارند و در برابر نهادهای عمومی و جامعه نیز دارای مسئولیت و پاسخ‌گویی هستند. ازاین‌رو ارزیابی حاکمیت شرکتی آن‌ها نمی‌تواند صرفاً بر سازوکارهای داخلی شرکت یا رابطه میان سهام‌داران و مدیران متمرکز باشد و لازم است عوامل مالکیتی، قانونی، نظارتی و پاسخ‌گویی عمومی نیز در ارزیابی لحاظ شوند.

این مؤلفه‌ها در راستای اولویت‌بندی بر اساس سه شاخص میزان اهمیت، قابلیت اجرا و میزان تأثیرگذاری در افزایش بهره‌وری، با در نظر گرفتن سه شاخص اعلام‌شده به‌صورت هم‌وزن، به ۱۵ نفر از خبرگان که دارای تخصص و همچنین، سابقه اجرایی (در وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، شرکت‌های دولتی و...) بودند، ارائه شد. خبرگان پژوهش به‌صورت هدفمند و بر اساس برخورداری از دانش و تجربه مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب شدند. معیارهای انتخاب خبرگان شامل مدرک تحصیلی مرتبط، سابقه حرفه‌ای، تجربه فعالیت در حوزه حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی و آشنایی با مسائل و الزامات حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی بود. به‌منظور افزایش تنوع دیدگاه‌ها، خبرگان از میان گروه‌های واقعی خبرگان پژوهش انتخاب شدند. انتخاب این تعداد با توجه به ماهیت خبرگی فرایند تصمیم‌گیری و هدف مرحله یادشده یعنی اخذ قضاوت تخصصی برای مقایسه و اولویت‌بندی مؤلفه‌های نهایی انجام شد. در این

مرحله، هدف پژوهش تعمیم آماری دیدگاه خبرگان به کل جامعه آماری نبود، بلکه استفاده از قضاوت کارشناسان واجد شرایط برای تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌های نهایی بود. ازاین‌رو معیار اصلی کفایت نمونه، برخورداری اعضا از شرایط تخصصی و مرتبط با موضوع پژوهش و امکان دستیابی به قضاوت‌های تخصصی و قابل استفاده در فرایند تصمیم‌گیری بود. بر اساس نظرات ایشان، نتایج نهایی اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزیابی از طریق روش تاپسیس به‌صورت زیر شد.

جدول ۵. نتایج اولویت‌بندی مؤلفه‌های ارزیابی بر اساس روش تاپسیس

نتیجه	ضریب نزدیکی	تقریب
محیط کنترل (شامل سیستم کنترل داخلی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک)	۰.۹۱۸۱	۰.۹۲
ساختار هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی	۰.۷۳۹۴	۰.۷۴
انتصابات و جبران خدمات مدیران	۰.۷۳۲۹	۰.۷۳
ساختار و سیاست مالکیت شرکت‌های دولتی	۰.۷۲۰۷	۰.۷۲
شفافیت و گزارشگری	۰.۶۵۹	۰.۶۶
محیط قانونی و نظارتی	۰.۴۲۱۵	۰.۴۲
حقوق سهام‌داران و مدیریت ذی‌نفعان	۰.۳۵۶۵	۰.۳۶
پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی	۰.۱۸۰۱	۰.۱۸

منبع: یافته های پژوهش

محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل ۱. عدم دسترسی به اطلاعات دقیق در حوزه حاکمیت شرکتی شرکت‌های دولتی و به عبارتی، نداشتن متولی اصلی در این حوزه است. ۲. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها بر اساس قضاوت خبرگان انجام شده است. ازاین‌رو، نتایج این مرحله ممکن است تحت تأثیر تجربه، تخصص و دیدگاه خبرگان قرار گیرد. ۳. مدل پیشنهادی با توجه به شرایط نهادی و اقتصادی شرکت‌های دولتی ایران طراحی شده و تعمیم آن به بخش خصوصی نیازمند بررسی و اعتبارسنجی مجدد است. ٤. تغییر شرایط قانونی، اقتصادی و سیاستی می‌تواند بر اهمیت نسبی مؤلفه‌ها اثرگذار باشد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

شرکت‌های دولتی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در ایران را تشکیل می‌دهند و سهم قابل توجهی از منابع مالی، دارایی‌های عمومی و فعالیت‌های اقتصادی کشور را در اختیار دارند. ازاین‌رو کیفیت حکمرانی و نحوه اداره این شرکت‌ها تأثیر مستقیمی بر کارایی اقتصادی، بهره‌وری منابع عمومی و تحقق اهداف توسعه‌ای کشور دارد. در چنین شرایطی، فراهم آوردن ملزومات استقرار نظام حاکمیت شرکتی و پس از آن، نظام ارزیابی حاکمیت شرکتی (به‌ویژه تدوین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشخص برای ارزیابی آن)، به‌عنوان یکی از الزامات اساسی اصلاح نظام مدیریتی و اقتصادی کشور مطرح می‌شود. بدون وجود شاخص‌های روشن و قابل سنجش، امکان ارزیابی دقیق عملکرد شرکت‌ها، شناسایی نقاط ضعف و طراحی برنامه‌های اصلاحی وجود نخواهد داشت.

احصای مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی، زمینه لازم برای افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در شرکت‌های دولتی را فراهم می‌کند. این شاخص‌ها به نهادهای سیاست‌گذار، دستگاه‌های نظارتی و عموم ذی‌نفعان امکان می‌دهد تا میزان پایبندی شرکت‌ها به اصولی مانند شفافیت اطلاعات، پاسخ‌گویی مدیریتی، رعایت حقوق ذی‌نفعان، کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک را ارزیابی کنند. همچنین، وجود یک چهارچوب ارزیابی مشخص می‌تواند از بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه، تعارض منافع، فساد اداری و تصمیم‌گیری‌های غیرکارآمد جلوگیری کند و سلامت اداری و مالی شرکت‌ها را ارتقا دهد.

از سوی دیگر، تدوین شاخص‌های بومی ارزیابی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های دولتی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چهارچوب‌ها و استانداردهای بین‌المللی مانند اصول و رهنمودهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکت مالی بین‌المللی به‌عنوان بازوی اجرایی بانک جهانی راهنمای ارزشمندی برای استقرار حاکمیت شرکتی هستند، اما ساختار مالکیت، الزامات قانونی، نظام بودجه‌ریزی و محیط نهادی شرکت‌های دولتی ایران دارای ویژگی‌های خاصی است که لزوم بومی‌سازی شاخص‌ها را ایجاب می‌کند. به همین دلیل، شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که متناسب با شرایط حقوقی،

اقتصادی و مدیریتی کشور باشند، می‌تواند اثربخشی نظام ارزیابی را افزایش دهد و امکان مقایسه و رتبه‌بندی شرکت‌های دولتی را فراهم سازد.

در این پژوهش، با تکیه بر ادبیات حاکمیت شرکتی و با تأکید بر ضرورت آن در شرکت‌ها و به‌ویژه شرکت‌های دولتی ایران، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی از طریق بررسی دو دسته منابع شامل گزارش‌های سازمانی بین‌المللی و مطالعات دانشگاهی و آکادمیک شناسایی و تحلیل شدند. در بخش سازمانی، گزارش‌های دو نهاد بین‌المللی مهم یعنی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و شرکت مالی بین‌المللی، به‌صورت تفصیلی بررسی شد. در بخش مطالعات دانشگاهی نیز ۳۵ مقاله مرتبط با موضوع بررسی شد که از میان آن‌ها، شش مطالعه که به شناسایی و احصای مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی پرداخته بودند، به‌طور تفصیلی تحلیل شدند. درنهایت، با توجه به شرایط و اقتضائات شرکت‌های دولتی ایران، مدلی برای ارزیابی اولیه و ارتقای سطح حاکمیت شرکتی در این شرکت‌ها ارائه شد که شامل هشت مؤلفه کلان ازجمله ساختار هیئت‌مدیره، محیط کنترل (کنترل داخلی، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک)، انتصابات و جبران خدمات و پاداش اجرایی، محیط قانونی و نظارتی، شفافیت و گزارشگری، رعایت حقوق سهام‌داران و مدیریت ذی‌نفعان، ساختار و سیاست مالکیت و پایداری و رعایت ملزومات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پس از تجمیع و ادغام نتایج به دست آمد. این مؤلفه‌ها برای درک دقیق‌تر در سه لایه با توجه به کارکرد خود تقسیم‌بندی شدند ازجمله لایه درون‌شرکتی، لایه بیرون‌شرکتی و لایه نظارتی و پاسخ‌گویی عمومی.

در انتها باید اشاره کرد که احصای مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی حاکمیت شرکتی را می‌توان پیش‌نیاز استقرار حکمرانی مطلوب در شرکت‌های دولتی دانست. این موضوع نه‌تنها به افزایش کارایی و اثربخشی شرکت‌ها منجر می‌شود، بلکه از طریق ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی، سلامت اداری و مدیریت بهینه منابع عمومی، زمینه افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد اقتصادی کشور را نیز فراهم می‌آورد.

کتابنامه

آذر، عادل، رجب‌زاده، علی (۱۳۹۱). تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد MADM (صص ۱۹۴-۱۹۷). تهران: انتشارات نگاه دانش.

بقایی، سیدبهزاد (۱۴۰۲). «سه چالش اداره شرکت‌های دولتی». *یادداشت اندیشه‌ورزان اندیشکده*، کد مطلب: ۷۷۶۶.

بور، مارک (۱۳۹۷). *حکمرانی؛ مقدمه‌ای بسیار کوتاه* (عرفان مصلح و زهره کریم‌میان، مترجمان). چاپ ۱، تهران: کرگدن.

پورطالبی جاغرق، محمد، (۱۴۰۴). *طراحی شاخص امتیازدهی حاکمیت‌شرکتی در بازار سرمایه ایران*، **پروژه تحقیقاتی نخبگان وظیفه**.

سازمان برنامه و بودجه (۱۴۰۲). *لایحه برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۶-۱۴۰۲)*. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

سیاست‌های *کلی اصل ٤٤ قانون اساسی (ابلاغیه مقام معظم رهبری)* (۱۳۸٤).

سیداحمدی سجادی، سیدعلی (۱۳۸۸). «نظریه نمایندگی در نظام راهبری شرکتی». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۹ (٤).

سیدهاشمی تولون، محمدرضا (۱۳۹۹). *تدوین مدل مطلوب راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) در راستای بین‌المللی شدن شرکت ملی نفت ایران (رساله دکتری)*. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم (٤٤) قانون اساسی (مصوب ۱۳۸٦/۱۱/۸).

قلی‌پور، رحمت‌الله و ناصری، امین (۱۳۹٦). «جایگاه اصول حاکمیت شرکتی خوب در سیاست‌های اقتصادی ایران (مورد مطالعه: سیاست‌های اصل ٤٤ قانون اساسی)». *مجلس و راهبرد*، ۲٤ (۸۹)، صص. ۲٤۸-۲۲۳.

قلی‌پور، رحمت‌الله، مشایخی، بیتا و ناصری امین (۱۳۹۵). «حاکمیت شرکتی در بخش عمومی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی». *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ٤ (۱٤)، صص. ۱۳۰-۱۰۷.

مرادزاده فرد، مهدی، زارع‌زاده مهریزی، محمدصادق و تاکر، رضا (۱۳۹۱). «تأثیر پاداش هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران*، سال ۵، شماره ۱۸، صص. ۱۵۲-۱۳۷.

معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱٤۰۲). *نگاهی به عملکرد شرکت‌های دولتی (منتهی به سال مالی ۱٤۰۱)*. گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی.

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری (۱٤۰۰). *گزارش بررسی پیشنهاد لایحه نظام شرکت‌داری در بخش عمومی*. کد گزارش: ۱۰۲٤۰.

مهدوی پارسا، علی و نوراحمدی، مرضیه (۱۳۹۷). «مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران». *دانش سرمایه‌گذاری*، شماره ۲٦.

همتی، حسن، گراوند، عادله و گراوند، محمد (۱۳۹۸). *حاکمیت شرکتی*. چاپ ۱، تهران: نگاه دانش.

هیلب، مارتین (۱۳۹۲). *حاکمیت شرکتی جدید؛ ابزارهای موفقیت برای هیئت‌مدیره* (مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی، مترجم). ناظر علمی علیرضا امیدوار، تهران: دایره.

Aazar, A., & Rajabzadeh, A. (1391 SH/2012). Applied decision-making: MADM approach (pp. 194–197). Negah-e Danesh Publishing. [In Persian]

Anand, *S. (2007).* Essentials of corporate governance (Vol. 36). John Wiley & Sons.

Bamahros, *H. M., Alquhaif, A., Qasem, A., Wan-Hussin, W. N., Thomran, M., Al-Duais, S. D., Shukeri, S. N., & Khojally, H. M. A. (2022).* Corporate governance mechanisms and ESG reporting: Evidence from the Saudi stock market. Sustainability, 14(10), 6202.

Baqaei, *S. B. (1402 SH/2023).* Three challenges in managing state-owned enterprises (Code: 7766). Thinkers' Note of the Resistance Economy Think Tank. [In Persian]

Bevir, *M. (1397 SH/2018).* Governance: A very short introduction (E. Mosleh & Z. Karim Miyan, Trans.). Kargadan Publishing. [In Persian]

Beygi, *V., Abooyee Ardakan, M., & Moghimi, S. M. (2022).* Corporate governance of state-owned enterprises in Iran: An exploratory pathology. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 15(5), 783–804.

Couto, *A. B. G., & Rangel, L. A. D. (2023).* Corporate governance aspects in sustainability and performance assessment models for energy companies: A systematic review of the literature. Gestão & Produção, 30, e4322.

Deputy of Codification, Revision and Publication of Laws and Regulations of *the Presidential Legal Vice Presidency. (1400 SH/2021).* Review report of the proposal "Public Sector Corporate Governance Bill" (Report Code 10240). Presidential Legal Vice Presidency. [In Persian]

European *Institute for Corporate Governance. (2011).* Published codes 2011. http://www.ecgi.org

General *Policies of Principle 44 of the Constitution. (1384 SH/2005).* Decree of the Supreme Leader. [In Persian]

Gholipour, *R., & Naseri, A. (1396 SH/2017).* The position of good corporate governance principles in Iran's economic policies (Case study: Policies of Principle 44 of the Constitution). Majles and Rahbord, 24(89), 223–248. [In Persian]

Gholipour, *R., Mashayekhi, B., & Naseri, A. (1395 SH/2016).* Corporate governance in the public sector and its role in the resistance economy. Financial and Economic Policies Quarterly, 4(14), 107–130. [In Persian]

Hemmati, *H., Geravand, A., & Geravand, M. (1398 SH/2019).* Corporate governance. Negah-e Danesh Publishing. [In Persian]

Hilb, *M. (1392 SH/2013).* New corporate governance: Success tools for board members (Corporate Governance and Social Responsibility Promotion Center, Trans.; A. Omidvar, Scientific Supervisor). Dayereh Publishing. [In Persian]

Huang, J.-Y., Shen, K.-Y., Shieh, J. C. P., & Tzeng, G.-H. (2019). Strengthen financial holding companies' business sustainability by using a hybrid corporate governance evaluation model. Sustainability, 11(3), 582.

International *Finance Corporation. (2017).* Corporate governance in privatization processes.

International *Finance Corporation. (2018).* State-owned enterprises: Corporate governance and disclosure practices. World Bank Group.

Kocmanova, *A., & Simberova, I. (2012).* Modelling of Corporate Governance Performance Indicators. Engineering Economics, 23(5), 485–495. https://doi.org/10.5755/j01.ee.23.5.2865

Law on the Execution of General Policies of Principle Forty-Four (44) of the Constitution (Approved on 1386/11/08 SH [January 28, 2008 AD]). [In Persian]

Mahdavi Parsa, A., & Nourahmadi, M. (1397 SH/2018). A model for corporate governance rating in Iran. Investment Knowledge, (26). [In Persian]

Management *and Planning Organization. (1402 SH/2023).* Seventh National Development Plan Bill 1402–1406. Management and Planning Organization of Iran. [In Persian]

Massie*, R. (2014).* Key identifiers of corporate governance maturity: A literature review [Unpublished manuscript]. Corporate Governance Maturity.

Ministry *of Economic Affairs and Finance. (1402 SH/2023).* An overview of the performance of state-owned enterprises (Ending in the financial year 1401). Deputy of Banking, Insurance, and State-Owned Enterprises, Ministry of Economic Affairs and Finance. [In Persian]

Moradzadeh *Fard, M., Zarezadeh Mehrizi, M. S., & Taker, R. (1391 SH/2012).* The effect of board compensation and institutional ownership on earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Tehran Stock Exchange Quarterly, 5(18), 137–152. [In Persian]

Nsour*, M. F., & Al-Rjoub, S. A. M. (2022).* Building a corporate governance index (JCGI) for an emerging market: Case of Jordan. International Journal of Disclosure and Governance, 19(2), 232–248.

Organisation *for Economic Co-operation and Development. (2015).* OECD guidelines on corporate governance of state-owned enterprises. OECD Publishing.

Organisation *for Economic Co-operation and Development. (2024).* OECD guidelines on corporate governance of state-owned enterprises 2024. OECD Publishing.

Pour-Talebi, (1404 SH/2025). Design of corporate governance scoring index in the Iranian capital market. [In Persian]

Rasmussen, J. L. (2010). Corporate governance in Norway; The development of a board evaluation model with special emphasis on large listed companies [Doctoral dissertation, Cass Business School].

Rehman, A., & Hashim, F. (2020). Is corporate governance maturity measurable? Corporate Governance: The International Journal of Business in Society, 20(4), 601–619.

Seyed Ahmadi Sajadi, S. A. (1388 SH/2009). Agency theory in the corporate governance system. Private Law Studies, 39(4). [In Persian]

Seyedhashemi Toloun, M. R. (1399 SH/2020). Developing a desirable corporate governance model in order to internationalize the National Iranian Oil Corporation [Unpublished doctoral dissertation]. Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Sciences. [In Persian]

Simberova*, I., Kocmanova, A., & Nemecek, P. (2012).* Corporate governance performance measurement: Key performance indicators. Economics and Management, 17(4), 160–172. https://doi.org/10.5755/j01.em.17.4.3033

World Bank. (2014). Corporate governance of state-owned enterprises: A toolkit. World Bank Group.

World *Bank. (2023).* Integrated state-owned enterprises framework (iSOEF): Guidance for practitioners. World Bank Group.